

خبر

رئیس سازمان بورس و اوراق بهادار ایران خبر داد

خرمای کرمان به بورس می‌رود

گروه اقتصاد - رئیس سازمان بورس و اوراق بهادار ایران گفت: «پسته وزیره استان کرمان در بورس کالا هستند و خرما را نیز در آینده نزدیک به بورس خواهیم آورد».

به گزارش روابط عمومی استانداری کرمان، شاپور محمدی در دیدار با استاندار کرمان بیان کرد: «استان کرمان جزو استان‌هایی است که در همه‌ی حوزه‌های کشور، تاثیرگذار است و در حوزه بازار سرمایه، شرکت‌های کرمانی، شرکت‌های بی‌نظیری هستند». وی با اشاره به سرمایه‌های اجتماعی و منابع استان کرمان افزود: «بازار سرمایه می‌تواند در پذیرش و انتقال اوراق برای تامین و کاهش نرخ تامین مالی تسهیل و تسریع کند». رئیس سازمان بورس و اوراق بهادار ایران، کشور ایران را قطب زبره جهان دانست و اضافه کرد: «پسته و زبره استان کرمان در بورس کالا هستند و خرما را نیز در آینده نزدیک به بورس خواهیم آورد». وی فرهنگ‌سازی در زمینه‌ی

مدیرعامل سازمان آتش نشانی کرمان هشدار داد

بازار تاریخی کرمان در خطر است

میراث فرهنگی و استانداری به کمک آتش نشانی بیایند

گروه جامعه - این‌که بازار تاریخی کرمان با اوضاعی که دارد و با ساختاری که دارد اگر خدای ناکرده آتشی بر جانش بیفتد احتمال این‌که جان سالم به‌در ببرد چندان زیاد نیست را بارها همه گفته‌اند. مدیرعامل سازمان آتش‌نشانی شهرداری کرمان اما امروز باز همین هشدار را داده و به‌صراحت گفته که: «این اثر تاریخی در معرض خطر حریق است». رضا میرزایی همچنین تاکید دارد که یک ایستگاه آتش‌نشانی ویژه بازار راهاندازی شود و چون شهرداری پول کافی برای این کار ندارد و بازار هم خودش متولی جداگانه‌ای دارد، او از میراث‌فرهنگی و استانداری

خواسته به کمک بیایند. به گزارش کرمان‌آنلاین، او در این‌باره بر لزوم تجهیز مجموعه بازار کرمان به سیستم اعلام و اطفای حریق تاکید کرد و افزود: «این اثر تاریخی در معرض خطر حریق است که باید برای جلوگیری از این اتفاق و حفظ این مجموعه تاریخی اقداماتی انجام شود». او ادامه داده است: «با توجه به مسقف بودن بازار، در صورت وقوع آتش‌سوزی، امکان ورود خودرو به قسمت‌هایی از این مجموعه امکان‌پذیر نیست».

میرزایی با بیان این‌که مجموعه‌ی بازار نیازمند یک ایستگاه کوچک اما مجهز به تجهیزات آتش‌نشانی است، گفت: «باید مسئولان، قضایی را به استقرار چند موتورسیکلت و وسایل آتش‌نشانی در مجموعه بازار اختصاص دهند». او ادامه داد: «مجموعه‌ی بازار

بلا به‌دور باشد.

مدیرعامل سازمان آتش نشانی کرمان یعنی شهرداری کرمان همچنین گفت که به‌زودی بازدیدایمی از کلیه‌ی واحدهای صنفی موجود و مجموعه‌ی بازار انجام و مسائل و مشکلات موجود در هر مغازه به صاحبان آن‌ها اعلام می‌شود. او از تهیه‌ی نقشه‌ی ممیزی ایمنی بازار کرمان نیز خبر داد. حدود سه ماه پیش بود که فرای کرمان نیز گزارشی درباره‌ی آسیب‌پذیری بالای بازار تاریخی در برابر آتش‌سوزی‌های احتمالی منتشر کرد که متن آن را می‌توانید اینجا بخوانید: «بازار آتش‌نشانی کرمان: وضعیت معلوم نیست این هشدارها جان بازار کرمان را از خطر می‌رهاند یا حادثه‌ی تلخ کاروانسرای جر دوباره تکرار می‌شود؟»

بلا به‌دور باشد.

تاسیس، تغییرات شرکت

آگهی تغییرات شرکت کوشش پیام کستر کویر کرمان شرکت با مسئولیت محدود به شماره ثبت ۱۳۲۰۱ و شناسه ملی ۱۰۶۲۰۱۹۰۴۸۵ به استناد صورت‌جلسه مجمع عمومی فوق العاده مورخ ۱۳۹۷/۱۰/۲۲ - محل شرکت در واحد ثبتی کرمان به آدرس شهر کرمان، بلوار شیراز - خیابان هاشم نادری ، کوچه فرعی ۲، پلاک ۰، طبقه همکف کدپستی۷۶۱۹۶۸۵۵۷۲ تغییر یافت و ماده مربوطه در اساسنامه بشرح فوق اصلاح گردید. شناسه آگهی ۷۰۴۴۲۰

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان کرمان
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری کرمان



گروه جامعه = تالار پارسیان کرمان روز جمعه میزبان جشن شب یلدای تعدادی از کودکان سرطانی، خانواده‌های آن‌ها و تعدادی از بچه‌های پرورشگاه‌های شهرهای اطراف بود، که با حمایت موسسه‌ی خیریه «کمک» (کودکان مبتلا به سرطان) دور هم جمع شده بودند تا لحظات شاد و زیبایی را سپری کنند. موسسه خیریه «کمک» ۹ ماه است که راه‌اندازی شده، اعضای را مثل تمام خیریه‌ها افراد خیر و نوع‌دوستی تشکیل می‌دهند که به گفته‌ی دکتر عبیدی مدیرعامل این موسسه با خدا معامله می‌کنند و البته پشتیبان این خیریه،

جامعه

وضعیت بازارچهٔ فروش محصولات خانگی در بازار قلعه‌محمود بررسی شد؛

پنج‌شنبهٔ سرد بازار قلعه‌محمود

اسما پورزنگی آبادی

اگر خیابان تکشیده بودیم و بازار را تکه‌پاره نکرده بودیم، اگر نگذاشته بودیم بر در حجره‌ها مان قفل‌ها زنگ بزنند، اگر بازار را و بافت تاریخی را بی‌محل نکرده بودیم یعنی اگر از شهر کهن کرمان، چنین بی‌محیا، کوچ نکرده بودیم به هوای خانه‌های بهتر و رفاه بیش‌تر در آن سوی شهر، اگر، اگر و اگر این همه بی‌مهر نبودیم و به خود آمده بودیم و نگذاشته بودیم شهرسازیمان به بیراهه کشانده شود الان این زنان و دختران، میسانل و پیر و جوان، مجبور نبودند این روزهای سرد، در راسته‌ی بازاری متروکه، بساط پهن کنند تا ما را، به این بازار یکشانند تا مگر رونقی بگیرد.

پنشنشینی آخر پاییز است و سرمای زمختی همه‌جا شهر ریخته؛ در راسته‌ی تاریک بازار متروکه قلعه‌محمود هم، بازاری با قدمت ۳۰۰ ساله، یا ۹۰۰ ساله، چه فرقی می‌کند این محله و این بازار را محمود افغان در ۱۱۳۴ قمری بنا کرده باشد یا مسالطین سلاجقه در قرن پنجم، ششم هجری؟ آنچه ما بر سر آن آورده‌ایم اما تماشاچی است! حجره‌ها دیرپاسی است که خالی‌ست؛ برخی زباله‌دان شده و برخی انباری و برخی هم با اجر و بلوک کاملاً مسدود، محل کسب‌وکارهای دیرروز، عصاره‌ی‌ها و روغن‌گیری‌ها و آشنگری‌ها شده باتوق معنادار، بی‌بها و کارتن‌خواب‌ها، این، نقدیری است که ما برای این تکه از راسته‌بازار شمالی‌جنوبی شهرمان کرمان زبید، در همتی پنجاه سال گذشته، خاموش شدن چراغ حجره‌ها یکی پس از دیگری را، تک افتادن این راسته‌ی حدود ۵۰۰ متری از جفت دیوگوش؛ بازار میدان قلعه را و جداماندگی‌اش از کلیت مجموعه‌ی بازار تاریخی را نندیدیم و بعد ناگهان دیدیم چیزی که مانده، جنازه‌ی بازاری است روی دست شهر، خالی از فروشنده و خریدار، یا آن چه باید کرد؟

در همه‌های گذشته، بلوک کاملاً مسدود، محل برای نجات این بازار داده می‌شد حرف از تبدیل این راسته‌ی متروکه به بازارهای وزین و فاخر بر برای عرضه و حتی تولید صنایع‌دستی کرمان نه فقط مس و شال و پته که حتی تولید و عرضه‌ی کاشی معرق و کاشی هفت‌رنگ توسط هنرمندان کرمانی، سال ۹۵ معاون وقت میراث‌فرهنگی استان این را به ما گفت و اضافه کرد: «در وقت‌های بخشی از این حجره‌ها را به هنرهای تزیینی وابسته به معماری سنتی کرمان اختصاص دهیم».

اولین‌بار، در دولت نهم بود که پیشنهاد راه‌اندازی بازارچه‌ی صنایع‌دستی در بازار قلعه‌محمود ارائه شد. آن زمان، امیرحسینی به‌عنوان رئیس اتحادیه‌ی تعاونی‌های صنایع‌دستی استان، مأمور بررسی وضعیت این بازار و معازضات آن و معلوم کردن متراز و وضعیت مالکیت و قیمت آن می‌شود. او این کار را انجام داده و اسنادی را جمع‌آوری می‌کند و به علی کارناما، مدیر وقت میراث فرهنگی استان ارایه می‌دهد. دیری نمی‌پاید که ایرامانش جاشین کارناما می‌شود. او مجدداً نیز این مدارک را به سرپرست وقت میراث تحویل می‌دهد.

سال ۹۲ با نشریه استقامت داشت، درباره‌ی سرنوشت این طرح اظهار کرد: «لایحی نامرد چه اتفاقی افتاده. بگیری که کردم، گفتند قرار بوده بودجه‌ای به این منظور به تهران به کرمان فرستاده شود تا صرف خرید مغازه‌ها و کارهای بعدی باشد اما این بودجه به کرمان نمانده است!» بودجه‌ها نیامد، یا آمد و به قلعه‌محمود نیامد. رویای تبدیل این راسته‌ی متروکه به بازارچه‌ی صنایع‌دستی اما همچنان زنده بود تا این‌که در زمان راه‌اندازی رزم‌حسینی و مدیرکل محمود وفاپی بر میراث‌فرهنگی استان بار دیگر هیاچو بر سر عملی شدن این رویا برپا شد. آن زمان، هم امیدوار بودند که این بازار سامان بگیرد که می‌گفتند.

آزیدبشت‌ماه امسال اما این جهاد دانشگاهی بود که بیری رونق‌رسانی به این بازار را در دست گرفت و قالب طرحی توسط دفتر تسهیل‌گری محله قلعه‌محمود، کلیامپ، رئیس

جهاد دانشگاهی در این‌باره گفته بود: «در سند توسعه‌ی اجتماعی‌فرهنگی استان کرمان که تحت نظارت دفتر اجتماعی فرهنگی استانداری کرمان و توسط جهاد دانشگاهی انجام شده، از بازار قلعه‌محمود به‌عنوان محدوده‌ای با ظرفیت تولیدات صنایع‌دستی و بومی نام برده شده و احیای بازار قلعه‌محمود در راستای این سند است و می‌تواند گزینه‌ی مناسبی برای تبدیل شدن به بازار صنایع‌دستی کرمان باشد که هدف ما به‌عنوان معین اقتصادی شهر کرمان، احیا و ساماندهی راسته‌ی بازار قلعه‌محمود و رونق بازار میان‌قلعه، اشتغال‌زایی با سرمایه‌ی کم، احیا و به‌یشتی به صنایع‌دستی و فرهنگی و همچنین صنایع‌دستی در حال فراموشی و فراموش شده و برند سازی در این منطقه است.»

نتیجه‌ی این طرح‌ها و آرزوهای خوب برای بازار قلعه‌محمود فاشه شد یک رویداد با نام «پنج‌شنبه‌های قلعه‌محمود». و این هفته اگر بازار این پنج‌شنبه‌بازار برراه باشد، می‌شود سومین هفته‌ای که چراغ این بازار روشن شده، چراغ که بر بازار برق ندارد، رفت‌وآمد به آنجا بیشتر شده، می‌روم آنجا سر و گوش‌ی آب بدهم و می‌بینم که میزهایی به موازات هم، دست راست راسته، از ورودی تا میانه‌های آن چسبیده به هم چیده شده و زنائی، با چشم‌هایی که برق امیدشان دیدنی است، پشت آن میزها نشسته‌اند. سرامای عطش‌آووری در سراسر راسته جاری است و سوز اش رشته و عطر گیاهان دارویی و صدای نای سه نوازنده که لباس محلی بر تن دارند و همه‌هایی که نیست؛ آن‌طور که باید باشد. در و دیوار بازار اما شکل و شمایل احترام را در خود حفظ کرده، دیوارها فرسوده، ورم کرده، سفحا سیاه و دود زده و حجره‌ها، امان از حجره‌ها، فضا هم کلیت بافته‌نکرده همه رفت‌اند و حالا من ناگهان دیدیم چیزی که مانده، جنازه‌ی بازاری است روی دست شهر، خالی از فروشنده و خریدار، یا آن چه باید کرد؟

از این خرابه‌ها نستنتسایم و پشت میز فلزی کوچکی که تعدادی بافتنی و عروسکی روی آن چیده شده سوسن، هم روز افتتاحیه در این بازارچه بوده و هم در دومین هفته‌ی رویداد، برای نجات این بازار داده می‌شد حرف از تبدیل این راسته‌ی متروکه به بازارهای وزین و فاخر می‌پرسم: راضی هستی؟ می‌گوید: «روز افتتاحیه خوب بود». جعفر فروختی؟ من می‌پرسم: «۳۰۰ هزار تومان!»، او می‌گوید و ادامه می‌دهد: «آن هفته یکی از اجناس را فروختم. امروز هم اگر یکنی فروشم راضی‌ام!».

زنائی که در این بازارچه هستند اغلب سرپرست خانوارند یا کسانی هستند که به‌دلیل عدم توانایی همسران در تامین مخارج زندگی‌شان، مجبور شده‌اند از توانی که دارند برای چرخش‌شان خرج زنائی، بچه‌ها و برندی اگر بشود، کاری بکنند سوسن و برخی دیگر از این زنان، پیش از این، در بازارچه‌ی شهربازری تولیدات‌شان را می‌فروختند و حالا با طرح پنج‌شنبه‌های قلعه‌محمود که شهرداری کرمان، از دفتر تسهیل‌گری این محله اجرا می‌کند، از شهربازری به این راسته‌ی قدیمی کوچ کرده‌اند. سوسن می‌گوید: «بازارچه‌ای که در شهربازری داشتیم خوب بود. اینجا هم میگن کم‌کم رونق می‌گیری. خدا کند همین‌طور بشه و ای کاش ساعت کارش رو بیش‌تر می‌کردن، به‌جای ساعت ۹ تا یک، کاش می‌شد تا غروب بمونیم شاید افراد بیش‌تری برای خرید بیان». و البته خودش می‌داند و می‌گوید هم، که بازار برق معتادان را جلوی خانم‌اش می‌دیده که دور هم می‌نستند و مواد مصرف می‌کردند. همین‌جا وسط بازار، بازار در حال احضار، با دست‌سایهی روی دیوار این نشانم می‌دهد. جای آن سبط کوفت‌وهرمزهای‌ها روی تن بازار چند صد ساله، و به یاد می‌آورد خاطراتی سخت تلخ از آن روزهایی که در این خانه‌ی دلگشا در این بازار سربویشده‌ی زبیا زندگی می‌کرده؛ از تن‌فروشی زنان معتاد زیر سقف این بازار می‌گوید و از صحنه‌های تلکان‌دهنده‌ای که دیدم زن دیگری به او اوست. او هنوز همان‌جا مانده و بر این مشکلات می‌صحه می‌گذارد، خانم‌اش نه راسته‌ی بازار است و می‌گوید که ما مجبوریم به‌نامیہ ولی زن اولی می‌گوید که ما دیگر نمی‌شد که به‌نامیہ، رفقه‌ام خانه‌ی مادرم در خیابان زربسف زندگی می‌کنم. این خانه را

مدیرعامل موسسه کمک به کودکان مبتلا به سرطان مطرح کرد

کودکان بیمار به روحیه‌ی شاد نیاز دارند

برگزار می‌کنیم تا آن‌ها هم از این شادی سهمی داشته باشند و امروز هم تعدادی از بچه‌های پرورشگاه‌های زرتند، بردسیر و کرمان در این جشن حضور دارند.»

دکترعبیدی با بیان این‌که کودک شرایط بد اقتصادی، جنگ و تحریم را درک نمی‌کند و فقط می‌خواهد شاد باشد، بیان کرد: «کودک روحیه‌ای فرشته‌سیرت دارد، کودک امید دارد و غم را نمی‌فهمد و ما برای این‌که توانیم این روحیه را در آن‌ها زنده نگه داریم این جشن‌ها را برگزار می‌کنیم».

وی ادامه داد: «هدف این است که یک لحظه‌ی شادی برای بچه‌ها ساخته شود».

مدیرعامل موسسه خیریه «کمک» افزود: «گاهی کودکانی بودند که برای آن‌ها جشن مبتلا می‌گردند دچار مشکل می‌شوند زیرا سرطان بیماری زنجیر‌نبر و وقت‌گیری است.» وی اضافه کرد: «بیشتر بیماران از خانواده‌های مرفهی نیستند و بیشتر از نواحی جنوبی کرمان می‌آیند که از نظر سطح رفاه و درآمد بسیار پایین‌هستند».

مدیرعامل موسسه خیریه «کمک» با اشاره به برگزاری جشن یلدا گفت: «چند سالی است که این جشن را با حضور کودکان بی‌سرپرست



هم دادم اجاره‌ی افغانستانی‌ها، ولی آرزو دارم به

خانه‌ی خودم بیایم و از من می‌پرسد و ده بار می‌پرسد: «با این بازارچه‌ای که راه نداشتن، بازار قلعه‌محمود دوباره آباد میشه؟ باتوق معناذا جمع میشه؟ ما دوباره می‌تونیم به خونه‌ی خودمون برگردیم؟». و نمی‌دانم چه باید بگویم به او که این همه لبریز از امید و انتظار و آرزوست. «آرزو دارم به خانم برگردم. اگر بازار آباد بشه، می‌تونم به خانه‌ی خودم برگردم». این را چندبار و چندین‌بار می‌گوید و با شوق هم می‌گوید و اینجا‌ست که تازه می‌فهمم مجریان این طرح، چه کار سختی را شروع کرده‌اند و مدارم از خودم می‌پرسم: آیا از عهده‌ی روشن نگه‌داشتن این شعله‌های پارک امید برمی‌آیند؟ جلوی می‌روم و کنار زنی ۶۲ ساله که اهل خاتوک است می‌نشینم دارد از همسایه‌اش که زنی تقریباً همسن و سال خودش است بافتنی یاد می‌گیرد. بساط خودش بر از عطر یونه و آویشن و نعناف و قوئوس، در خاتوک عطاری داشته. یک عطاری کوچک، همسرش بارنشتسته‌ی ذوب‌آهن است و بیمار، به کرمان آمده‌اند! اوضاع آن‌قدر بد است که باید بیاید در این سردای استخوان‌سوز، زیر سقف بازار قلعه‌محمود بنشینند و داروی کبابی بفروشد. راضی هستی؟ «هوا خیلی سرده. من کلی لباس گرم پوشیدم ولی هنوز سردم». برق هم اینجا نیست؟ چیزی توستی بفروشی؟ «هیچکس خرید نمی‌کنه فقط سوالی می‌پرسن و میرن».

این را یکی دیگر از زنان حاضر در بازارچه هم می‌گوید. او ۲۶ ساله است و پته‌های رنگارنگی که دوخته از جلوی‌اش روی میز پهن کرده، «اون هفته خلوت‌تر بود. امروز شلوغ‌تر شده و محصولات بیش‌تری هم آوردن. ولی هیچکی خرید نمی‌کنه فقط نگاه می‌کنن و کلی قیمت می‌پرسن». میرمن این‌که توی بازار اولدییم خوربه شاید هفته‌های دیگه مردم هم بیان و فروش ما هم بیش‌تر بشه». او هم سردش است. مثل من و همه‌ی دیگر کسانی که سرما یا سرچایشان مشکوکانه کرده یا مجبورشان کرده‌اند تند و تند نگاه‌ی به بازارچه بیاندازند و بروند.

رو به ورودی بازار داشتیم می‌رفتم. برای ترک کردن بازار قلعه داشتیم. ناشتم می‌رفتم که ناگهان دوباره همان ساکنان سابق بازار را دیدم. این‌بار زن جوان دیگری هم به جمع‌شان اضافه شده و داشتند دنبال من می‌گشتند: «من به توصیه‌ی پزشک، استراحت‌مطلق داشتیم ولی وقتی شنیدم که اینجا بازارچه راه افتاده از خوشحالی بشادم اومدم». و دوباره من بر برابر همان سوال سخت قرار می‌گیرم: «به نظرتون بازار آباد میشه؟» ما می‌توینم دوباره برگردیم خونه‌ی خودمون؟ من این محله‌های تاریخی رو خیلی دوست دارم و ولی از بسی اتفاقی‌نالم شده بود و معاند‌ها رفت‌وآمد و باتوق داشتن، مجبور شدم خونه‌ام رو اجاره بدم و برم ولی آرزومه که دوباره برگردم. شما میگید بازار رو آباد می‌کنن؟ من آرزومه برگردم همین‌جا».

همین سوال را از محسن ایلاقی، مسئول دفتر تسهیل‌گری محله قلعه‌محمود می‌پرسم. او که حیره دارد که ۲۴ یان از بسی اتفاقی‌نالم شده و به بازار آمدند، تنها پنج حجره فعال بود اما در همین یک سال، ایلاقی می‌گوید که سه، چهار حجره‌ی دیگر هم فعال شده و همان‌موقع که داشتیم برف می‌زدیم، مری‌ی که آن‌طرف‌تر ایستاده بود را نشانم داد که برای بازگشایی یکی، دو تا از حجره‌ها داشت مذاکره می‌کرد.

او می‌گوید: «شهرداری هم قرار است محله‌ها و میراث‌فرهنگی قرار است پایگاه یافت تاریخی را در بازار قلعه‌محمود راه‌اندازی کنند ۹ حجره‌ی بازار را هم برای راه‌اندازی مرکز آموزش و پشتیبانی تولید و فروش محصولات دستی زنان سرپرست خانوار همین نالم و دیگر

و امکانات درمانی و رفاهی این شهر برای بیماران، گفت: «ما کرمانی‌ها نسبت به سایر استان‌ها از نظر دیدگاه نیکورسانی جمعی عقب هستیم». وی ادامه داد: «یک مرکز رادیوتراپی در کرمان با پیشنهاد دکتر جمعه‌زاده پایه‌ریزی شده. در حالی که ما هنوز نتوانستیم این کار را به سرانجام برسانیم؛ در مشهد چندین دستگاه دارند و بیمارانی از قطر و کشورهای دیگر هم پذیرش می‌کنند».

دکتر عبیدی با اشاره به فعالیت موسسه کمک در تهران، توضیح داد: «این موسسه، قائم به فرد نیست، یک سیستم شده که دنیا آن را قبول دارد و برترین سازمان مردم‌نهاد جهان شناخته شده است».

وی افزود: «کمک این اعتبار را به سادگی کسب نکرده و در کرمان نیز باید همین اتفاق بیفتد و موسسه باید پررنگ شود نه افراد».

مدیرعامل موسسه خیریه «کمک» با بیان این‌که کمک‌های زیادی در این مدت به موسسه شده است، گفت: «این کمک‌ها ما را امیدوار کرده و امیدواریم با اعتبار این دوسان نام موسسه را در کرمان تثبیت‌نام تا دیگر فرد مطرح نباشد. در حال حاضر هم این‌جا فرقی نیست به موسسه برگرفته از عشق است و افراد با عشق و علاقه با موسسه همکاری دارند».

وی با اشاره به کمک افرادی که حاضر نیستند نامی از آن‌ها مطرح شود، ادامه داد:

«این‌ها خیلی ارزش دارد و خوشا به حال آن‌ها که با خدا معامله کردند».